

دوسالانه‌های تجسمی با چه چالش‌هایی دست و پنجه نرم می‌کنند؟



شناسه خبر: ۱۴۰۰۶۸ چهارشنبه ۸ فروردین ۱۴۰۳ - ۲۲:۵۰

با کمی اغماض و مسامحه، می‌توان گفت دوسالانه‌ها تا اینجا کارنامه قابل قبولی داشته‌اند اما نیازهای هنری و فرهنگی جامعه ما گسترش یافته و لزوم بازنگری در مورد نحوه، سطح برگزاری و گستردگی آن‌ها محسوس است.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، حسین عصمتی هنرمند شناخته‌شده عرصه هنرهای تجسمی که در زمینه نگارگری و مجسمه‌سازی فعالیت دارد، در یادداشتی به بررسی مسائل و چالش‌های دوسالانه‌های هنری پرداخته است.

متن این یادداشت که به صورت اختصاصی در اختیار موج خبر قرار گرفته به شرح زیر است:

«دوسالانه‌ها پیش از انقلاب اسلامی شروع به فعالیت کردند. به واسطه برگزاری آن‌ها در این سال‌ها، اتفاقات خوبی در عرصه هنر افتاده است. جوانان هنرمند متعددی در این فعالیت‌های هنری دیده شده و به دلیل معرفی در دوسالانه‌ها به عرصه رسیده‌اند. دوسالانه‌ها، انگیزه و شوق مناسبی را برای هنرمندان جوان جهت انجام فعالیت‌های هنری ایجاد کرده و آن‌ها را در ادواری در کنار هم جمع کرده است. با کمی اغماض و مسامحه، می‌توان گفت دوسالانه‌ها تا اینجا کارنامه قابل قبولی داشته‌اند اما نیازهای هنری و فرهنگی جامعه ما گسترش یافته و لزوم بازنگری در مورد نحوه، سطح برگزاری و گستردگی آن‌ها محسوس است. به دلیل برنامه‌ریزی دقیق‌تر و کامل‌تر، ضروری است چالش‌ها و مشکلات دوسالانه مورد بررسی قرار گیرد. دوسالانه‌ها دارای مشکلات متعددی هستند که باید در آسیب‌شناسی رشته‌های مختلف در یک فرایند دقیق تحقیقاتی مورد توجه قرار بگیرد. اما فی‌الحال به دلیل این که خود در دوسالانه‌های نگارگری فعال بوده‌ام و در حوزه مجسمه نیز فعالیت دارم، مواردی که آشکار است و در این دو دوسالانه دیده می‌شود را طرح می‌کنم.



به نظر می‌رسد عنوان هر دوسالانه (دوسالانه نگارگری، مجسمه‌سازی، نقاشی و ...)، از این لحاظ که گرایش‌های مختلف را در خود جای می‌دهد، ظرفیت این وسعت و فراوانی را ندارد. بر اساس این عناوین، باید تمام گرایش‌های موجود در هر

رشته امکان حضور در دوسالانه و بخش مسابقات را داشته باشند اما آنچه که تا کنون اتفاق افتاده، این گونه نبوده است. کیفیت و نحوه برگزاری دوسالانه‌ها چنان محدود بوده که نتوانسته تمام هنرمندان با گرایش‌های متنوع آن رشته را در برگیرد. گاهی این گرایش‌ها، گرایش‌هایی هستند که در عرصه تولیدات فرهنگی و هنری، باید بخشی از نیاز فرهنگی جامعه را تأمین کنند. یکی از مشکلات، فراگیر نبودن دوسالانه‌هاست؛ فراگیر نبودن به این معنا که در هر دوسالانه، متناسب با نظرات و سلیق ارکان دوسالانه مانند، شورای سیاست‌گذاری، دبیر و داوران؛ گستره خاص و محدودی از آثار مورد توجه قرار می‌گیرد و بخش عمده و متنوعی از آثار امکان دیده شدن و محک خوردن را به دست نمی‌آورند. لذا خواسته یا ناخواسته، شکل مشخصی از آثار که مورد توجه دبیر و داوران است، ارزش‌گذاری شده و باقی آثار در حاشیه قرار می‌گیرند. به تعبیری، با حمایت از نوع مشخصی از سبک و جریان هنری، دیگر سبک‌ها که البته مورد نیاز فرهنگ و هنر ایران است، مغفول مانده و به هنگام نیاز دست فرهنگ و هنر ایران، تقریباً از این تخصص‌های هنری خالی می‌ماند.



این چالش در تمامی دوسالانه‌ها یا اکثر آنها وجود دارد. در این راستا مثالی از هر دوسالانه، ضروری و تبیین‌کننده موضوع خواهد بود. چنین چالشی در برگزاری دوسالانه مجسمه دیده می‌شود. در مقایسه با کیفیت برگزاری دوسالانه در این سال‌ها، مجسمه‌سازی معنای گسترده‌تری دارد و هر گونه پیکرتراشی و شکل دادن به اشیاء را در بر می‌گیرد. امروزه این

تعریف گسترده‌تر هم شده است. پرسش این است که آیا می‌توان در یک دوسالانه با امکانات محدود گرایش‌های متعدد مجسمه‌سازی را در نمایشگاه پذیرفت؟ با توجه به سابقه این دوسالانه و حداقل در سال‌های اخیر، آثاری بیشتر به نمایشگاه راه یافته‌اند که بهره‌ای از نگاه مدرن در مجسمه‌سازی برده‌اند. به تعبیری می‌توان ادعا کرد یک شیوه خاص که مورد وثوق برگزارکنندگان بوده، در نمایشگاه غلبه بیشتری یافته است. به اعتقاد اینجانب چنین اتفاقی سبب شده است هنگامی که جامعه نیاز دارد هنرمندانی به شیوه واقع‌گرا و کلاسیک اثری را تولید کنند، دچار کمبود شود. به عنوان مثال، وقتی باید سردیس شخصیتی ساخته شود، به واسطه محدودیت، چالش ایجاد می‌شود. به همین دلیل آثاری در این زمینه تولید می‌شوند که به واسطه ضعف اجرایی اکثراً مورد وهن قرار می‌گیرند. در صورتی که باید تعداد این هنرمندان بیش از این باشد. با توجه به این مطلب، چند سوال طرح می‌شود؛ کسانی که به شیوه کلاسیک و یا واقع‌گرا کار می‌کنند، در دوسالانه مجسمه‌سازی چه جایگاهی دارند؟ کسانی که مایل هستند در حوزه مجسمه‌سازی با رویکرد عامه‌پسند (اثری که مورد توجه جامعه قرار گیرد) خلق اثر کنند، چه جایگاهی دارند؟ و ...



photo : Abbas Shariati

البته منظور این نیست که دوسالانه‌ها ریشه این معضلات و ضعف‌ها است. ریشه را باید در بخش‌های دیگری مانند آموزش جست‌وجو کرد. اما دوسالانه امکان و انگیزه‌ای است برای هنرمندانی که به صورت خودجوش فعالیت می‌کنند و به این

عرصه‌ها علاقه‌مند هستند. این نوع از آثار، نیاز بخشی از جامعه است.

در دوسالانه نگارگری نیز چنین مشکلی دیده می‌شود. گرایش‌ها و بخش‌های متنوعی در نگارگری وجود دارد. به عنوان مثال در بخش گل و مرغ، هنرمندانی به شیوه قدیم کار می‌کنند و برخی به شیوه‌های جدید. در هر دو شیوه آثار فاخری خلق می‌شود اما به دلیل محدودیت و گاهی گرایش داوران، یکی از این دو شیوه که معمولاً شیوه قدیم است، با بی‌مهری مواجه می‌شود. در ساخت گل و مرغ به شیوه‌های جدید نیز تنوع و گوناگونی وجود دارد که با همین چالش مواجه است. هنرمندانی هستند که در شهرستان‌ها مشغول خلق اثر هستند و معمولاً نادیده گرفته می‌شوند. در بخش نگارگری نیز هنرمندان در سبک‌های مختلف مشغول تولیدات هنری هستند. هر هنرمندی شیوه‌ای را انتخاب و به آن شیوه، تولید اثر دارد اما به دلایل مختلف، برخی از شیوه‌ها دیده نشده و مورد توجه واقع نمی‌شود. همچنین بخش‌هایی مانند تشعیر و طراحی که هر کدام اهمیت خود را دارند نیز در دوره‌هایی از دوسالانه نگارگری حذف می‌شوند.



به نظر می‌رسد در دوسالانه‌های دیگر نیز مسائل مشابهی وجود دارد که موجب می‌شود برخی از گرایش‌ها به آنها راه پیدا نکنند.

چنانکه عرض شد، دوسالانه‌ها پاسخگوی درخواست تمام هنرمندان با گرایش‌های متنوع نیست. شاید دلیل اصلی، علایق و نوع نگاه ارکان دوسالانه‌ها باشد. بخشی هم مربوط به محدودیت امکانات دوسالانه‌ها است. سوال این‌جاست که چه باید کرد؟ آیا باید دوسالانه‌ها با همین ساختار از این محدودیت رها شوند؟ آیا نیاز به تأسیس دوسالانه‌های بیشتری برای -گرایش‌هایی که مورد نیاز جامعه است، داریم؟ این‌ها سوالاتی است که برای پاسخ به آن‌ها نیاز به تحقیق و بررسی گسترده‌تری وجود دارد».

انتهای پیام/

انتهای پیام/